

ضرورت تشکل یابی کشاورزان

گیلان به دلیل گستردگی زمین‌های حاصلخیز و برخورداری از آب، شمار بالایی از کشاورزان کشور را در خود جای داده است. بخش عمده زمین زیر کشت در این استان مزارع برنج و باغ‌های چای است و به همین علت این دو محصول خاص بیشتر مورد توجه و بحث قرار گرفته‌اند.

کشاورزان مورد بحث را دو گروه زیر تشکیل می‌دهند:

- ۱- کسانی که در زمین‌های چایکاری و یا برنجکاری خود کار می‌کنند. (مالک بخشی از وسایل تولید هستند).
- ۲- کسانی که به کار روی زمین‌های دیگران مشغولند و تفاوت‌های مزارع چای و برنج و ... از اهمیت بالایی برخوردار نیست. -البته این تفاوت تا جایی که به مهارت‌های تجربی و توانایی کار با ابزار مربوط می‌شود، قابل بررسی است- (فاقد هرگونه مالکیتی بر وسایل تولیداند).

هر دسته از این کشاورزان با مشکلات خاص خود در محیط کار و تولید و فروش درگیرند و اساساً هر گروه مطالباتی خاص خودشان دارند. طبیعتاً بررسی این مطالبات و چاره‌اندیشی برای آنان نهادی خاص می‌طلبد و نیاز به کار پژوهشی فراوان دارد؛ اما دولت تاکنون چه چاره‌ای برای آنان اندیشیده؟ آیا اساساً دولت می‌تواند به تنهایی گامی در حل مشکلات و تسهیل کار کشاورزی در کشور و بهبود وضعیت کشاورزان بردارد؟

یکی از نهادهایی که دولت برای این امر در نظر گرفته، نظام صنفی کشاورزی کشور است. این نهاد که در همه شهرهای استان گیلان تشکیل شده، یکی از محورهای فعالیتش را در اساسنامه حمایت و پشتیبانی از کشاورزان معرفی کرده اما به گفته مسئول نظام صنفی استان گیلان پور امام تنها خدماتی که این نهاد ارائه می‌کند، بیمه تأمین اجتماعی برای افرادی است که مجوز گلخانه یا دامداری دارند. - تنها بخشی کوچک از کسانی که در حوزه کشاورزی، مالک وسایل تولید هستند - یعنی بیمه شامل حال شالیکار یا چایکار هم نمی‌شود و نهاد فوق غیر از این نیز کارکرد دیگری ندارد. نظام صنفی کشاورزی اگرچه نهادی غیردولتی نامیده شده

اما مجوز فعالیتش را از جهاد کشاورزی می‌گیرد و بر طبق اساسنامه، نماینده جهاد کشاورزی باید در جلسه هیأت مدیره برای تعیین سمت‌ها حضور داشته باشد. همچنین رییس هیأت مدیره باید از سوی جهاد کشاورزی تأیید شود. طبیعی است هیأت مدیره‌ای که به تأیید جهاد کشاورزی می‌رسد هرگز نمی‌تواند جهاد و دولت را مورد نقد قرار دهد و در حقیقت مجری فرامین آنهاست که به طور کل این موضوع، مستقل بودن و غیردولتی بودن نظام صنفی کشاورزی را نفی می‌کند. همچنین برای عضویت در هیأت مدیره، کشاورز بودن از جمله شرایط نیست و هر شخصی می‌تواند با تأیید جهاد کشاورزی عضو هیأت مدیره شود. این نهاد برای بهبود وضعیت کشاورز معرفی شده است ولی در عمل برای بالا بردن بیلان کاری رئیس و کارمندان جهاد کشاورزی است زیرا به نهادی زیر دست اداره جهاد کشاورزی گیلان بدل شده است.

تشکل باید قدرت داشته باشد تا بتواند مقابل تصمیم‌گیری‌های از بالای مسئولین که به نفعشان نیست بایستد و البته چنین قدرتی هیچگاه از طریق حکومت به هیچ تشکلی داده نمی‌شود؛ باید برآمده از اجتماع خود کشاورزان باشد.

نهاد دیگری که در زمینه تولید چای در استان فعالیت می‌کند اتحادیه چایکاران شمال کشور است. این اتحادیه زیر نظر وزارت تعاون ثبت گردید و از سال ۱۳۷۹ با هدف دفاع از حقوق کشاورزان آغاز به کار کرد. با توجه به رکودی که بر بازار چای حاکم بوده است، در ابتدا این تشکل با هدف زدودن رکود بر بازار چای به میدان آمد اما با گذشت ۱۶ سال از فعالیت اتحادیه و افزایش رکود در بازار چای می‌توان عدم موفقیت اتحادیه را شاهد بود. همچنین عدم تغییر وضعیت کشاورزان و ارائه نشدن تسهیلاتی برای این قشر نشان از بی‌تحرکی اتحادیه دارد. ایرج هوسمی رئیس اتحادیه چایکاران در گفتگو با اوجا بر فقر چایکاران صحنه می‌گذارد و از وضعیت فعلی کارگر شاکمی است؛ اما در پاسخ به سؤال ما مبنی بر اینکه با همه مشکلاتی که برای دریافت بدهی چایکاران از دولت وجود دارد نقش اتحادیه را در ستاندن حق چایکار چگونه می‌دانید و آیا

اساساً اگر برای دریافت مطالبات چایکاران ناتوان بوده‌اید آیا وظیفه‌ای برای ارائه دیگر خدمات به چایکاران دارید؟ عنوان کرد: «اتحادیه باید از طرف کشاورزی یا وزارت تعاون حمایت بشود و بتواند خدمات ارائه کند، طی این ۱۵ سال که فعالیت دارد هر هزینه‌ای هم که کرده‌ایم، از جیب مدیران بوده است. اتحادیه هیچ حمایتی نشده و قدرت هم ندارد». وی همچنین در پاسخ به پیشنهاد برگزاری کلاس‌های آموزشی برای سلامت کشاورزان وضعیت اتحادیه را اینگونه تشریح می‌کند: «هر کاری که ما بخواهیم انجام دهیم باید از دولتی‌ها تمنا کنیم. ما در کار خودمان مانده‌ایم اما آیا می‌توانیم فوق برنامه از آنها چیزی بخواهیم؟!».

با توجه به شرایطی که هوسمی رییس اتحادیه از وضعیت آن به ما ارائه می‌دهد، مشخص است که این تشکل در حقیقت تشکلی نمایشی برای رفع تکلیف از دولت است تا وانمود کند که به شعارهای ۳۷ سال پیش خود در حمایت از قشر محروم جامعه پایبند است.

چنین تشکل‌های نمایشی مانند اتحادیه چایکاران -که از سوی رئیسش فاقد هرگونه قدرت تصمیم‌گیری و اجرا تلقی می‌شود- در صورت کنونی‌شان تنها تهدیدی برای کشاورزان در مسیر تحقق مطالباتشان هستند. کارگران کشاورز تا امروز بیمه نیستند. یعنی مسئولیت هر اتفاقی که حین کار برای کارگر کشاورز رخ دهد و هزینه‌های جبران آن به عهده خود کارگر است.

اما برای بازنشستگی کشاورزان، ۶ سال پیش دولت صندوق بیمه روستایی را تشکیل داد که افراد می‌توانند خودشان را بیمه کنند. البته خدمات بیمه‌ای صندوق شامل بیمه درمانی نیست و فقط بیمه بازنشستگی محسوب می‌شود. ۵ درصد بیمه را کشاورز پرداخت می‌کند، ۱۰ درصد را دولت و بعد از میزان مشخص کار به آنها بیمه بازنشستگی پرداخت می‌کند. از این طرح استقبال نشد. علت را مسئولین در غیراجباری بودن بیمه می‌دانند. دهیار چند روستا در گیلان علت عدم استقبال روستائیان را فقر می‌دانند و اینکه بیمه چون درمانی نیست و در دراز مدت نتیجه می‌دهد و کشاورزان با توجه به فقر حاکم به آینده خود نمی‌اندیشند و فعلاً درگیر نان شب هستند، لذا از خدمات این بیمه استقبال نکردند. هوسمی درباره این صندوق چیزی ننشیده و

زنان دیده نمی‌شود. حتی شرایط حضور نماینده زن که بتواند با زنان کشاورز ارتباط بگیرد و یا بخشی مختص زنان نیز از آنان دریغ شده است. مسائل زنان در دو تشکل فوق مسائلی دست دوم و فرعی محسوب می‌شوند. تشکلی حقیقی که از دل طریق کنش برابر کشاورزان برآید طبیعتاً باید متشکل از هر دو جنس باشد. فعالیت هدفمند برای شکل‌دهی اتحادیه‌ها و تشکل‌های مستقل کشاورزان گیلان باید از طریق آگاهی از واقعیت‌های زیر آغاز گردد: اتحادیه‌ها و تشکل‌های وابسته موجود نه تنها کمکی به تغییر وضعیت فعلی نخواهد کرد که عاملی برای فرودستی بیش از پیش کشاورزان می‌گردد. تشکل‌های صنفی مستقل تنها با تکیه بر قدرت کشاورزان می‌تواند تشکیل شود و این تشکل‌های مستقل می‌تواند دولت را به عقب‌نشینی در نابودی کشاورزی و تضییع

وضع معیشتی کشاورزان گیلان نیستند. اما در گیلان عده زیادی از زنان و مردان کشاورز با دغدغه‌ها و مطالباتی که خاص زندگی خودشان است مشغول به کارند. و برای رسیدن به این مطالبات و حل مشکلات باید اتحادیه‌ها و نمایندگان واقعی خود را داشته باشند تا بتوانند واسطه بین آنها و دولت باشند، مشکلات آنها را تشخیص داده و برای حل آن تلاش کنند. از همه مهم‌تر این تشکل باید قدرت داشته باشد تا بتواند در مقابل تصمیم‌گیری‌های از بالای مسئولین که به نفعشان نیست بایستد و البته چنین قدرتی هیچگاه از طریق حکومت به هیچ تشکلی داده نمی‌شود و باید برآمده از اجتماع خود کشاورزان باشد. چنین نهادی تنها می‌تواند از طریق ایجاد تشکل‌های صنفی و محلی زنان و مردان کشاورز برآید، رشد کند و به دست خود ایشان اداره شود. کشاورزان خاصه در گیلان و مازندران به دلیل زندگی در کنار یکدیگر که به

از وجود آن بی‌اطلاع است و درباره علت عدم استقبال کشاورزان از صندوق بیمه روستایی می‌گوید دولت این را متوجه نمی‌شود بلکه کسی که در روستا زندگی می‌کند می‌تواند متوجه شود. کشاورز ۵ میلیون از دولت طلبکار است ولی ۱۰۰ هزار تومان ندارد که همسرش را به دکتز برود. اقتصاد صفر است حتی نان هم نسبه می‌گیرند.

با توجه به وضعیت فوق اما رئیس اتحادیه هیچگاه به بیمه نیندیشیده و اساساً پرداختن به این مسائل را موضوعی فرعی می‌داند. کشاورزانی که از مالکیت زمین بی‌بهره‌اند و به صورت روزمزد در زمین‌های دیگران مشغول به کارند، آسیب‌پذیرترین قشر در بین کشاورزان هستند که با رکود حاکم بر کشاورزی و همچنین مکانیزه شدن آن بیش از سایرین آسیب می‌بینند زیرا کشاورزانی که زمین زراعی متعلق به خود دارند با رکود بخش کشاورزی اقدام به فروش زمین به عاملان ویلاسازی کرده‌اند و در نتیجه به مرور زمان عده بیشتری از کشاورزان مالکیت خود بر زمین زراعی را از دست داده و بخشی از آنها برای همیشه از چرخه تولید کشاورزی خارج می‌شوند. اغلب این افراد مجبور به کار در بخش‌های خدماتی - چون مسافرکشی، فروشنده‌گی و ... - می‌گردند. برای کشاورزان فاقد مالکیت - بی‌زمین - حتی چنین آینده تلخی نیز غیرقابل تصور است زیرا آنها که زمینی ندارند ناگزیراند همچنان از طریق فروش نیروی کارشان به عنوان تنها چیز قابل مبادله در بازار امرار معاش کنند. این دسته که عموماً جز در حوزه زراعت و دامداری، از مهارت و دانش تجربی دیگری برخوردار نیستند به کارگران ساده و حاشیه‌نشین شهرهای صنعتی تبدیل می‌شوند.

اما رئیس اتحادیه شرایط این گروه را خوب ارزیابی می‌کند و می‌گوید: «زندگی این افراد نه که زندگی راحتی است اما از من کشاورز که یک هکتار دو هکتار باغ دارم و قدرت کار ندارم بهتر است... البته اینان کار می‌کنند و زحمت می‌کشند اما زندگی آنها بهتر است».

نظر فوق نشان می‌دهد که امید هیچگونه اقدامی از طرف اتحادیه برای کارگران روزمزد کشاورزی وجود ندارد. زیرا اتحادیه وضعیت آنان را بهتر از دیگران ارزیابی می‌کند و چنین تحلیلی نتیجه منطقی چنان تشکلی است. تشکل دیگری که به امور کشاورزان بپردازد وجود ندارد و دو تشکل فوق نیز که یکی دولتی است و دیگری تحت حمایت و نظارت دولت، قادر به ایجاد هیچ تحول مثبتی در



صف تظاهرات کشاورزان - اثر: کبه کل ویتس

حقوق کشاورز در ایران وادار کنند. همچنین تشکل‌های مستقل کشاورزی با در نظر گرفتن منافع همه کشاورزان فارغ از جنسیت و قومیت موقعیت ویژه‌ای برای تغییر وضعیت این قشر در منطقه کسب خواهند کرد. تشکل‌های صنفی مستقل تنها با تکیه بر قدرت کشاورزان می‌تواند تشکیل شود و این تشکل‌های مستقل می‌تواند دولت را به عقب‌نشینی در نابودی کشاورزی و تضییع حقوق کشاورز در ایران وادار کنند. همچنین تشکل‌های مستقل کشاورزی با در نظر گرفتن منافع همه کشاورزان فارغ از جنسیت و قومیت موقعیت ویژه‌ای برای تغییر وضعیت این قشر در منطقه کسب خواهند کرد.

علت شرایط خاص جغرافیایی منطقه خزری و نزدیکی روستاها به یکدیگر است، توان جمع شدن بیشتری نسبت به سایر مشاغل را دارند که این موضوع توان اتحاد و ارتباط آنها با یکدیگر را بیش از دیگر روستاهای ایران فراهم می‌کند و می‌توان از آن به نفع تشکیل شوراهای صنفی و محلی استفاده کرد.

مسئله زنان کشاورز در گیلان از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است. زنان عده زیادی از کشاورزان را در گیلان تشکیل می‌دهند. این زنان مشکلات و مطالباتی خاص خود دارند. اما متأسفانه در دو تشکل فوق به کل نادیده گرفته شده‌اند، در حالی که عمده کارهای کشاورزی در گیلان به عهده آنان است اما در تشکل‌های مورد بررسی هیچ نشانی از جایگاه و خواسته‌های